

عنوان مقاله:

کانت و مساله معنی داری یا بی معنایی متافیزیک

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های فلسفی، دوره 10، شماره 19 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسنده:

مسعود امید - دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه تبریز

خلاصه مقاله:

اینکه آیا از نظر کانت متافیزیک، معنادار است یا نه، مساله اصلی این نوشتار است. در اینجا برآنیم تا در راستای این مساله کلی، نظر کانت را در ذیل دو سوال زیر مورد بررسی قرار دهیم: 1- اساسا معناداری و بی معنایی متافیزیک چگونه که در فلسفه معاصر محوریت دارد، برای کانت نیز موضوعیت داشت آیا معنی داری و بی معنایی متافیزیک مساله اصلی و بنیادی کانت است یا تنها زمینه ها و دلالت هایی کلی در میان است 2- در صورت وجود زمینه ها و استلزامات و دلالت های کلی در باب معناداری و بی معنایی متافیزیک در فلسفه کانت، دیدگاه های وی به چه جهات و چه سطوحی از معناداری و بی معنایی در باب متافیزیک مربوط می شود. پاسخ سوال نخست آن است که به نظر می رسد که اولاً رویکرد و نقد کانت از متافیزیک را می توان معرفت شناختی و البته از نوع استعلایی آن دانست و نه از منظر زبان (یعنی براساس متافیزیک زبان، فلسفه زبانی، فلسفه زبان متعارف یا زبان شناسی)، ثانیاً از حیث مساله محوری، معنی داری یا بی معنایی متافیزیک، نه مساله اصلی کانت است و نه آنکه فلسفه وی به نحو واضح و متمایز و مستقلاً، متضمن چنین مساله ای است. ثالثاً می توان پذیرفت که فلسفه کانت از زمینه ها، دلالت ها و استلزام هایی در باب مساله معنی داری و بی معنایی متافیزیک برخوردار است. اما سوال دوم، دو سطح از معناداری یا بی معنایی را می توان در فلسفه کانت به دست آورد: الف- سطح زبانی: از دو جهت اجزا (یعنی از جهت واژگان و جملات متافیزیکی) و کل (به عنوان نظام و علم متافیزیکی) و ب- سطح غیر زبانی. در سطح زبانی، اولاً واژگان و جملات متافیزیکی بی معنی نیستند؛ ثانیاً این ادعا که: متافیزیک یک علم است، بی معناست. در سطح غیر زبانی، مجموعه متافیزیک به دلیل عدم وصول به غایات و... بی معنا دانسته می شود.

کلمات کلیدی:

فلسفه کانت، نقد متافیزیک، سطوح بی معنایی و معناداری، با معنایی زبانی، بی معنایی زبانی، بی-معنایی غیرزبانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/864786>

